



تغییر رویکرد رسانه ملی باعث رضایت مردم شده؛ رضایتی که در شبکه‌های اجتماعی به شکل ویژه خودنمایی می‌کند. البته این شروع یک مسیر پرچالش و جذاب است تا رسانه ملی مجدداً به نقاط اوجش در عرصه‌های مختلف بازگردد اما همین تحولات بسیار دلگرم‌کننده است و البته بیانگر این گزاره که هنوز در کشور ما اشخاص مهم‌تر از ساختارها هستند چرا که همه این کنشگری‌ها و اعتمادسازی‌های پس از تغییر مدیران ارشد معاونت سیاسی رخ داد

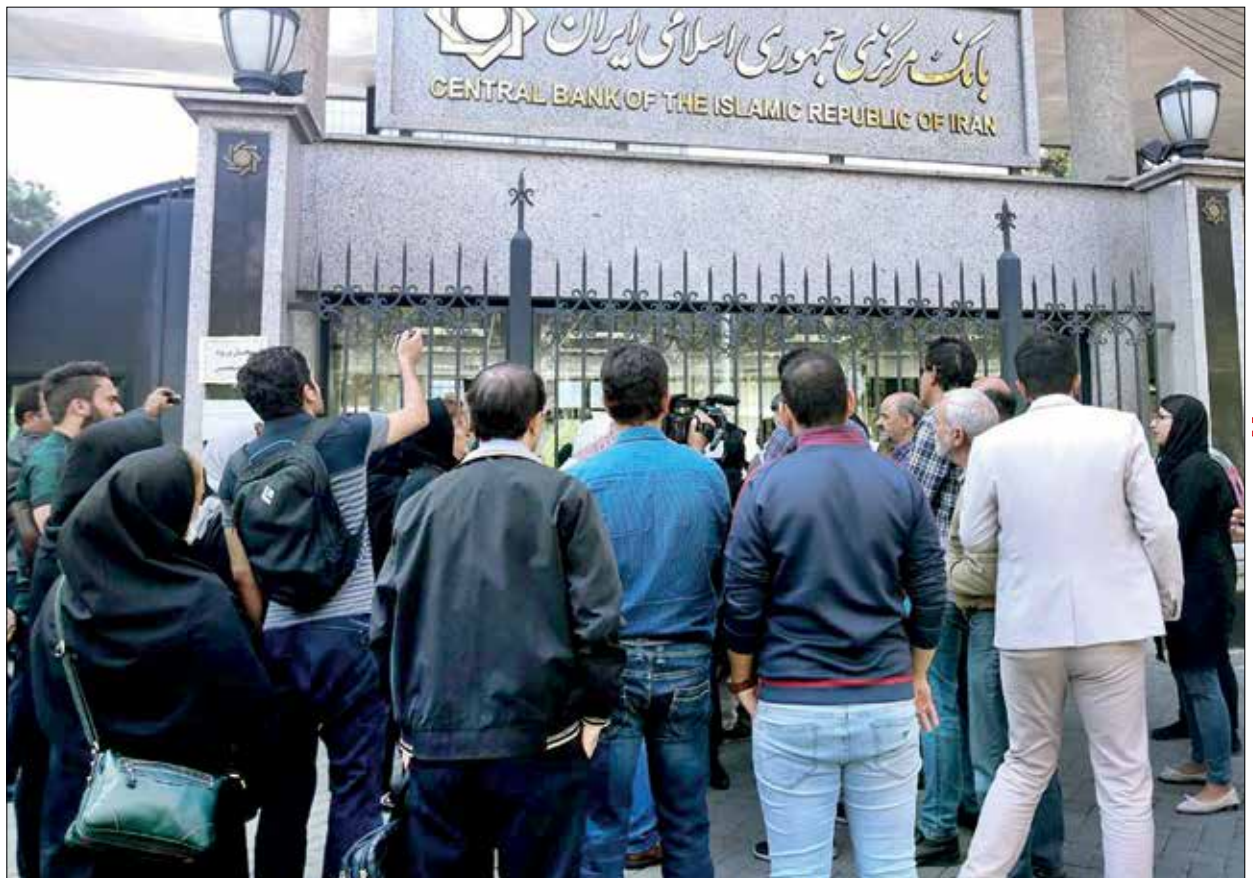
قاب‌ویک

ویژه‌نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
شنبه ۶ آذر ۱۴۰۰ • شماره ۷۷۹

نکته ۲

سیاست رسانه ملی در پوشش رخداد‌های سیاسی و خبری چگونه تغییر کرد؟

شروع یک مسیر پرچالش و جذاب



اعتراض اقتصادی گروهی از مردم مقابل ساختمان بانک مرکزی | عکس: ایرنا

شیطنت‌های دشمنان کشور فراهم شود. در کنار این رویکرد غلط که به گفته آقای معاون نظر شخص رئیس جمهور وقت بوده، برخی مدیران ارشد و میانی دیگر رسانه ملی با ابتادهای شخصی راهکارهای غلطی را برای مدیریت بحران در نظر گرفتند که تقریباً همه آنها عملکردی عکس داشت. منظومه این اشتباهات هزینه گزافی را برای کشور ایجاد کرد که هنوز پس از گذشت چند سال تلخی‌اش بر جان مردم و نظام مانده و چه بسا اعتباری که از مرجعیت تلویزیون زدوده شد، به شکل کامل برنگشته.

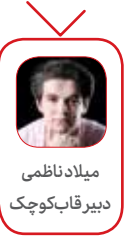
رخداد‌های تلخ سال ۹۶ و ۹۸ هنوز هم آزاردهنده است و خاطره دیدار من با آقای معاون نشان می‌دهد که کنترل مطالبات و اعتراضات می‌توانست به روش بسیار بهتری رقم بخورد اما به دلیل کاهلی و چند تصمیم غلط این اتفاق رخ نداد و ضربه اصلی را حاکمیت و رسانه ملی خوردند چرا که مدیران مختلف در سطح‌های متفاوت جابه‌جا می‌شوند اما سازمان‌ها و نهادها باقی هستند. تنها دلیل این اتفاق این است که متأسفانه با گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی، ساختارها در کشور ما اثری کمتر از اشخاص دارند. به همین دلیل همه چیز وابسته به فرد مسؤول است و اگر قرار باشد تغییری رخ دهد با جابه‌جایی اشخاص امکان‌پذیر خواهد بود. به‌طور خاص به‌راحتی می‌شود گارد بسته حسن روحانی را با رویکرد رسانه‌ای ابراهیم رئیسی مقایسه کرد. در وجه دیگر نیز نباید از منش روادارانه مدیر وقت رسانه ملی چشم‌پوشی کرد. رویکرد مدیریت جدید سازمان در همین مدت کوتاه که هنوز مدیران به‌طور کامل تغییر نکرده‌اند نشان می‌دهد که حضور آقای پیمان جلی و ایده‌های رسانه‌ای‌شان باعث ایجاد تحولات جدی در تلویزیون شده است.

نوک کوه یخ این تحولات هم جایی در معاونت سیاسی است که گویی بعد از چند سال خون تازه‌ای در آن دمیده شده است. بعد از مدت‌ها شاهد آن هستیم که رسانه در عرصه خبری از شبکه‌های اجتماعی عقب نمی‌ماند و دوباره تبدیل به یک مرجع رسمی برای آحاد مردم شده. از طرفی به نظر می‌رسد که روایت‌سازی‌های عجیب برخی خبرنگاران کمتر و همین موجب رضایت مردم شده؛ رضایتی که در شبکه‌های اجتماعی و آمارهای افکارسنجی به شکل ویژه خودنمایی می‌کند. البته این شروع یک مسیر پرچالش و جذاب است تا رسانه ملی مجدداً به نقاط اوجش در عرصه‌های مختلف بازگردد اما همین تحولات بسیار دلگرم‌کننده است و البته بیانگر این گزاره که هنوز در کشور ما اشخاص مهم‌تر از ساختارها هستند چرا که همه این کنشگری‌ها و اعتمادسازی‌ها پس از تغییر مدیران ارشد معاونت سیاسی رخ داد. مدیرانی که در دهه‌های گذشته خودشان کنشگر و سازنده جریان‌های اصلی رسانه‌ای بودند اما انگار در سال‌های اخیر تیغ‌شان کند شده بود.

دولت در یک ساختار خاص بنزین را گران کرد و مردم عصبانی شدند. طبقات ضعیف‌تر برای اعتراض به این مسائل تجمع کردند و باقی ماجرا مثل دی ۹۶ رقم خورد. کسی از رسانه ملی حق پوشش دادن مطالبات مردم را نداشت، چرا که آقای روحانی مجدداً به سازمان صداوسیما فشار آورده بود. از سوی دیگر برخی مدیران میانی تلویزیون تصمیم گرفتند ماجرا را از زوایای خاص و عجیب پوشش دهند. همین گزارش‌های خبری که معمولاً با یک خبرنگار خاص هم پخش می‌شد، باعث شد مردم عصبانی‌تر شوند و متأسفانه به رسانه‌های خارجی فارسی زبان رجوع کنند؛ رجوعی که نه فقط به جایگاه و مرجعیت رسانه ملی ضربه زد بلکه تبعات امنیتی فراوانی برای کشور داشت.

شکل صریح ماجرا این‌گونه است که دولت قبل نه تنها در اداره بخش اجرایی کشور و شرایط اقتصادی مردم ناتوان بود بلکه با دخالت‌های بیجا در امور دیگر و به‌طور خاص مدیریت افکار عمومی و رسانه‌ای باعث شد سوپاپ‌های اطمینان حاکمیت هم از بین برود و زمینه‌ای برای

اوایل بهمن ۹۶ بود که برای جلسه‌ای به دفتر یکی از معاونت‌های مهم رسانه ملی رفتم. جلسه در مورد یک مستند سیاسی بود و تقریباً پس از یک ماه پیگیری آقای معاون پذیرفته بودند زمانی را به صحبت با من اختصاص دهند. لایه‌های حرف‌هایی که در مورد احزاب مختلف و رویکردهایشان در دوره‌های مختلف انتخاباتی مطرح می‌شد به این نتیجه رسیدم که این فرصت طلایی است و می‌شود از آقای معاون پرسید چرا رسانه ملی به مطالبات مالی‌باختگان موسسات مالی نپردازد و همین باعث شده آنها به رسانه‌های فارسی‌زبان انگلیسی و عربستانی پناه ببرند.



میلاد ناظمی
دبیر قاب‌ویک

باید مطالبات مردم پوشش داده می‌شد اما چه می‌شود کرد وقتی آقای رئیس جمهور به دلیل نگاه‌های امنیتی‌اش مکرراً ریاست رسانه ملی را تحت فشار می‌گذارد و از طریق شورای عالی امنیت ملی اجازه پرداختن به مطالبات مردم را نمی‌دهد. بله آقای ناظمی، ما با یک سری آدم‌های مسن و بازنشسته مواجه هستیم که نگاه امنیتی دارند و روحیه فردی آقای علی‌عسکری هم این‌گونه نیست که با بخش‌های دیگر کشور وارد جدل شود.»

حرف آقای معاون برایم شوکه‌کننده بود اما سال‌های بعد و به‌طور خاص آبان ۹۸ آن را بهتر درک کردم.

در پایان بحث که در حال نوشیدن چای بودیم این سوال را مطرح کردم و خیلی جدی گفتم به زعم من این اعتراض‌ها گلوله برفی بود که به علت قصور مدیران رسانه‌ای تبدیل به بهمن شد و احتمالاً اگر دوره‌های قبلی بود، معاونت خبر بسیار فعال‌تر ظاهر می‌شد. آقای معاون دل خوشی از مدیر سابق نداشت و چندگله‌ای از نحوه تعامل مدیر قبلی سازمان کرد و بعد از کمی مکث گفت: «مشکلی که شما بیان کردید، درست است و من هم آن را قبول دارم اما این مطالبه را جای دیگری باید مطرح کرد. من به عنوان یک مدیر رسانه‌ای و معاون تلویزیون همین جا اعلام می‌کنم

سند برگ سبز سواری پراید، مدل ۸۳، رنگ سورمه‌ای، شماره پلاک ۷۳۵ ی ۱۸ ایران ۴۶، شماره موتور 00877235، شماره شاسی 51412283267689، به نام اسماعیل سعیدی شهیدانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پراید جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۷ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۴۳-۶۴۴-۵۶ شماره موتور 2576985 شماره شاسی 51412287522241 به نام مریم حاجی حیدری پور مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سمند ایکس ۷ مدل ۱۳۸۲ به رنگ فقره‌ای متالیک شماره انتظامی ایران ۹۶-۴۳ شماره موتور 32908121387 شماره شاسی 82203712 به نام زهرا ریانی اصفهانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس TU5 مدل ۱۳۹۵ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۴۳-۲۴۹-۱۶ شماره موتور 164B0098054 شماره شاسی NAAN11FE4GH730512 به نام مریم عشوری مهرنجانسی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.